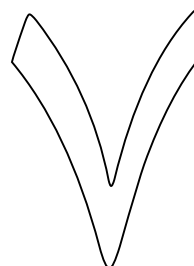


تحدید اعمال تحریم‌های اقتصادی در پرتو ضوابط حقوق بشر، قواعد رقابت و حقوق اجتماعی

الهام امین‌زاده*
وحیده غلامی**



; عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل

gholamy.vahideh@gmail.com

تاریخ تصویب: ۹۲/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۸

فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۲۱۰-۱۸۱.



چکیده

امروزه توجیه وضع و اعمال اکثر تحریم‌های اقتصادی با دعوای‌های حفظ حقوق بشر و اجبار به اجرای آن در دولت هدف (هدف وضع تحریم) است. با این همه نگاهی دقیق‌تر به آثار ناشی از تحریم‌ها و همچنین موفقیت یا شکست آنها در دستیابی به منظور خود، نمایان می‌سازد که تحریم‌ها ابزار مناسبی برای ارتقای حقوق بشر نیستند. این وسیله ناکارآمد، آثار سوئی دارد که می‌تواند به تنزل حقوق بشر در کشور هدف بینجامد. این اثر غالباً به دلیل وابستگی حقوق بشر به سطح درآمد دولت‌ها بروز می‌یابد؛ زیرا یک دولت باید منابع مالی کافی داشته باشد تا بتواند آموزش، بهداشت، اشتغال و سایر هنجارهای حقوق بشری را ارتقا دهد. در این میان بدیهی است که تجارت اصلی‌ترین مسیر و اساسی‌ترین وسیله برای دستیابی به منابع ثروت است تا بتوانیم وضعیت حقوق بشر را در یک کشور ارتقا دهیم. لذا وقتی تحریم‌های اقتصادی این مسیر را سد می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت به اعتلای حقوق بشر بینجامد. با توجه به این مسئله به نظر می‌رسد به ضوابط حقوق بشری و همچنین ضوابط حقوق رقابت و حقوق اجتماعی، باید از منظری نو‌نگریست؛ منظری که بتواند محدودیت بر سر راه اعمال تحریم‌های اقتصادی ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، حقوق بشر، حق تجارت، حقوق رقابت، استانداردهای اجتماعی، حق دسترسی به محاکم، حقوق افراد خصوصی

مقدمه

اعمال تحریم‌های اقتصادی، اغلب با عنوان ابزاری جهت پیشبرد اهداف حقوق بشری توجیه شده‌است. اما مطالعه آثار ناشی از اعمال تحریم بر کشورهای هدف، نشانگر این واقعیت است که تحریم‌های اقتصادی نه تنها به بهبود وضعیت حقوق بشر کمکی نکرده‌اند، بلکه آن را وخیم‌تر نیز نموده‌است. در واقع، یکی از اهرم‌های اصلی تحریم‌های اقتصادی، محدودیت دسترسی به منابع اقتصادی است که مهم‌ترین آنها تجارت برون‌مرزی می‌باشد. لذا دولت هدف از یک شریان اصلی که نیازهای مادی جامعه از طریق آن برآورده می‌شود را از دست می‌دهد و نبود ثروت موجب می‌شود تا منابع لازم برای پیشبرد اهداف حقوق بشری موجود نباشد. برای مثال روشن است که ارتقای وضعیت دسترسی به منابع آموزشی، نیازمند صرف سرمایه‌های عظیم است و اگر کشوری به این منبع دسترسی نداشته باشد، قطعاً در پیشبرد اهداف با مشکل مواجه خواهد بود. بنابراین مشخص می‌شود که تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند اثری را که به دنبال آن هستند را به بار آورد. از سوی دیگر، ضوابط حقوق بشری نیز خلاف اعمال تحریم‌های اقتصادی، مخصوصاً در مواردی که با حقوق افراد خصوصی تعارض پیدا می‌کند، است. همچنین قوانین و مقررات حاکم بر تجارت بین‌الملل که تجلی آن را در سازمان تجارت جهانی شاهد هستیم، اعمال تحریم‌های اقتصادی را بسیار محدود و نزدیک به غیرممکن نموده است.

لذا فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که تحریم‌های اقتصادی نه تنها توانایی ارتقای وضعیت حقوق بشر در کشور هدف را ندارند، بلکه خود موجب وخیم شدن این وضع می‌شوند و برخلاف ضوابط حقوق بشری منعکس در اسناد



حقوق بشری هستند. علاوه بر این، حق تجارت به عنوان یک حق مهم بشری، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است که حمایت از آن موجب ممنوعیت اعمال تحریم می‌شود. در کنار این موارد، ضوابط حاکم بر سازمان تجارت جهانی نیز محدودیت مهمی بر اعمال تحریم‌های اقتصادی وارد نموده است. در این مقاله به بررسی این موانع پرداخته شده و سعی بر این بوده است که با بررسی ضوابط حقوق بشری، اجتماعی و تجاری، مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی مورد تردید قرار گیرد. لذا در قسمت اول به بررسی ضوابط حقوق بشری و موانعی که حق تجارت برای اعمال تحریم‌های اقتصادی وارد می‌کند، پرداخته شده است. در قسمت بعد، به قواعدی از سازمان تجارت جهانی اشاره شده است که وضع تحریم را ممنوع و در مواردی بسیار محدود می‌سازد. قسمت آخر نیز به حقوق مالکیت افراد خصوصی که از اعمال تحریم‌های اقتصادی متاثر می‌شود، پرداخته شده است.

۱. ضوابط حقوق بشری

اگر یکی از اهداف تحریم را بیان ارزش‌های رفتار متمدنانه و الزام یک دولت به تبعیت از هنجارهای بین‌المللی بدانیم، پس خود تحریم باید از ایجاد پیچیدگی‌های اخلاقی و مشکلات حقوق بشری و یا بین‌المللی به دور باشد تا هدف آن در هاله‌ای از ابهام فرو نرود. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۶۲) نقش حقوق بشر در مورد تحریم‌ها در گذشته کم‌تر بود، زیرا از یک سو به حقوق بشر اهمیت کم‌تری داده می‌شد و از سوی دیگر، تحریم‌ها کم‌تر چنین اثری داشتند. (Wallensteen, 1995: 18; Michael.P, 1995: 2) در این قسمت تمرکز بر روی حقوق بشر نه تنها از حیث حقوق بشر شهروندان که به طور سنتی از آنها یاد می‌شود و مستقیماً تحت‌تأثیر تحریم‌ها قرار می‌گیرند؛ مثل حق دسترسی به دارو، سلامت و غذا صورت گرفته است،^(۱) (Segall, 1999: 13) بلکه حقوقی که تضييع آنها تحت‌تأثیر محدودکنندگی تحریم رخ می‌دهد نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال حق آموزش، رفاه و توسعه از جمله حقوقی هستند که هرچند در اثر وضع تحریم‌های اقتصادی مستقیماً تضييع نمی‌شوند، اما از آنجا که تحریم‌های اقتصادی حق تجارت دولت هدف را محدود می‌سازد؛ جلوی فراهم کردن وسایل تضمین حقوق فوق را می‌گیرد؛ بر این اساس به نظر می‌رسد حقوق بشر



نسبت به درآمد کشورها هم حساس هستند و حتی همانند یک کالا خود قیمت دارند. قیمت بالای این کالا می‌تواند مانع خرید و دسترسی به آن شود. همچنین تاثیر حق تجارت بر ارتقای حقوق بشر، فراتر از بعد ناشی از آثار مالی تجارت، تبادل عقاید، رسوم و فرهنگ‌ها هم هست که می‌تواند امکان انتقال فرهنگ احترام به حقوق بشر و یا حداقل فرهنگ درخواست چنین حقوقی از دولت را ایجاد کند؛ لذا در این تحقیق اصطلاح حقوق بشر محدود به حقوق بشر دوستانه و یا آنچه از آن به حداقل‌های حقوق بشری چون حق البسه، مواد اولیه زندگی و خوراک است نبوده بلکه به انواع گسترده‌تر حقوق بشر یعنی حق بر تجارت و مشارکت تجاری، که خود زمینه‌ساز حقوق بشر پایه و اولیه هستند، اشاره دارد.^(۲)

۲. حق کشورها بر تجارت به عنوان یک حق بنیادین

نظام تجارت بین‌الملل عمدتاً به عنوان نظامی برپایه حق‌ها شناخته نشده است. اما گسترده‌تر شدن این نظام و ناممکن شدن رفع نیازهای یک کشور بدون استفاده از این شبکه گسترده موجب شده است ادعاهای بیشتری پیرامون حق بر تجارت مطرح شود. البته نگاه حق‌محور بر تجارت، سابقاً نیز در ایده‌هایی مثل منع تبعیض در رفتار تجاری (شروط ملل کامله و داد) بروز یافته است. (Wai, 2003: 41) اما امروزه فراتر از این‌ها دیگر جدایی حقوق بشر از مفاهیم تجارت ساده نیست؛ حتی این جدایی می‌تواند به ضرر حقوق بشر هم تمام شود، زیرا موجب می‌شود حقوق بشر را امری سیاسی کند که در اکثر موارد ضمانت اجرایی هم ندارد و تجارت را امری مربوط به عرصه عمل سازد.^(۳) (Alston, 1982: 155)

در دنیای امروز کشورها باید سطحی از مشارکت در بازار تجارت را داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای حقوق بشری باشند. همچنین حق بر تجارت به عنوان یکی از حقوق بنیادین دولت‌ها زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی است که خود از حقوق شهروندان محسوب می‌شود.^(۴) تا دولت‌ها حق دسترسی به بازار تجارت را نداشته باشند، نمی‌توانند مواد مورد نیاز برای تجهیز زیرساخت‌های پزشکی، بهداشتی و آموزشی را که تضمین کننده حق بر سلامت، بهداشت و آموزش است را تامین کنند. (Wai, 2003: 45; Carneiro, 2009: 97; Gready, 2009: 388)



آماریتا سن^(۵) برنده جایزه نوبل، معتقد است که اگر کشورها فقیر هستند، به این خاطر است که شهروندان به سایر منابع تولید ثروت یعنی آموزش، زمین، بهداشت، عدالت و اعتبار دسترسی ندارند. فراهم کردن این کالاها با دولت است و دولت نیز نیاز به مشارکت تجاری دارد تا بتواند این منابع را در بازار مهیا سازد.^(۶) (Ariel Aarson; 2008: 7)

پس از جنگ جهانی دوم، دو حرکت در جهت رشد دو عرصه از حقوق نمودیافت. یکی در سال ۱۹۴۸ و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر بود و دیگری در سال ۱۹۴۷ و تدوین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رخ داد. فاصله زمانی اندک این دو عرصه آن هم پس از جنگ جهانی دوم که کشورها تلاش برای حفظ صلح داشتند، نشان می‌دهد که دولت‌ها نیز به رابطه تجارت و حقوق بشر در مسیر این هدف توجه داشته‌اند. (Antoine, 2009: 6; Ariel Aarson, 2008: 189) حق داشتن تجارت حتی مدت‌ها قبل از چنین حرکت‌هایی در ایده ویتوریا یافت می‌شود که حق تجارت را از حقوق ملل می‌داند. (Wan de Haar, 2010: 136; Ariel Aarson, Ibid: 5) برای همین امروز نیز تجارت را معمولاً حق دولت‌ها می‌دانند که اشخاص می‌توانند این حق را از جانب دولت خود اعمال کنند. برای همین است که حل و فصل اختلافات تجاری نیز در سازمان تجارت جهانی بین دولت‌ها اتفاق می‌افتد. (عسگری، ۱۳۸۷: ۲۴) اما به مرور زمان دولت‌ها راه‌های قانونی برای دسترسی به حل بین‌المللی اختلافات را توسعه داده‌اند.^(۷) (همان: ۲۴) استفاده گسترده از روش‌های «ارزیابی تأثیر» در زمینه تجارت و حقوق بشر که به بررسی تأثیر متقابل تجارت و حقوق بشر می‌پردازد، بیشتر برای ما روشن می‌کند که تجارت با توجه به آثاری که بر ارتقای حقوق بشر و استانداردهای اقتصادی - اجتماعی دارد، خود به عنوان حقی مطرح می‌شود که زمینه‌ساز سایر حقوق نیز است. (Harrison, 2008: 587; John S et al, 2003: 368)

۳. تئوری صلح ناشی از تجارت

ایده تجارت به صلح می‌انجامد به مونتسکیو نسبت داده می‌شود. او در روح‌القوانین بیان می‌کند اثر طبیعی تجارت صلح است. (Howse, 2006: 16) به نظر او تاریخ تجارت به اندازه تاریخ روابط بشری است و همچنین تجارت اقتصادی که تجارتی بر مبنای

رفع نیازهای طبیعی و مشترک بشر است، موجب ایجاد وابستگی بین کشورها می‌شود. از آنجا که کشورها نیازمند کالا و خدمات هستند، دست به عملی نمی‌زنند که در این سیر ایجاد اختلال کند. جنگ یکی از مواردی است که هزینه تجارت را افزایش می‌دهد و در نتیجه راه تجارت را سد می‌کند. اما سود تجارت، کشورها را ترغیب می‌کند تا مانع هرگونه خللی به جریان تجارت شوند؛ زیرا این جریان به حیات اقتصادی و موجودیت آنها بستگی دارد. او در جواب اینکه ممکن است سود ناشی از تجارت موجب توانایی دولت‌ها در تجهیز سلاح و مهمات شود و همین امر آنها را ترغیب به کشورگشایی و استعمار کند، اشعار می‌دارد این عمل دولت‌ها ناشی از حس قدرت‌طلبی است و اگر همین احساس با رفاه ناشی از تجارت تامین شود و همچنین دولت‌ها سیر تجارت خود را در خطر نبینند، دست به جنگ نمی‌زنند چون در هر حال هزینه‌های آن بیشتر از جریان عادی تجارت است. (Ibid: 6) در واقع جنگ قیمت کالا را بالا می‌برد. از یک طرف ممکن است کشور متخاصم صادرات خود را کاهش دهد و خود این باعث افزایش قیمت کالا شود و یا با اینکه او صادرات خود را کاهش نمی‌دهد، اما دولت مقابل با بالا بردن قیمت آن کالای وارداتی سعی می‌کند استفاده از آن محصول را محدود سازد. (W.Polachek et al, 10: 2006) از سوی دیگر، از آنجا که با وقوع جنگ برخی منابع باید صرف جنگ شود، هزینه تولید بالا می‌رود و هرچه سودی که از تجارت به دست می‌آید بیشتر باشد، هزینه جنگ بیشتر می‌شود؛ چون با وقوع آن دولت‌ها سود بیشتری از دست می‌دهند. (Watkins, 1942: 42; Heger et al, 2010: 766-769) بنابراین تجارت صلح را افزایش می‌دهد، بیش از آنچه جنگ آن را کاهش می‌دهد و آمار و اطلاعات مختلفی نیز این اثر را توضیح می‌دهد.^(۸)

برخلاف لیبرال‌ها که معتقدند هرچه دولت به امر تجارت بیشتر وابسته باشد، احتمال جنگ کم‌تر است، چون با جنگ بیشتر ضرر می‌کند؛ اما واقعیت‌گراها بر این باورند که زمانی که یک دولت بیش از دیگری به رابطه تجاری وابسته است، احتمال جنگ بیشتر می‌شود، چون خود را بیشتر در معرض خطر قطع رابطه می‌داند.^(۹) اما در واقع اگر کشورها آینده تجارت را مثبت و برقرار ببینند، نگرانی از بابت قطع رابطه تجاری از بین می‌رود و احتمال جنگ نیز حذف می‌شود. اگر یک



دولت در پیش‌بینی آینده خود متوجه شود که ادامه سیر تجارت با خطر مواجه است، تئوری واقعیت‌گراها درست است.

۴. ضوابط حقوق رقابتی

تحریم‌های اقتصادی می‌تواند یک رویه ضدرقابتی نیز محسوب شود. سازمان تجارت جهانی که بعد از جنگ جهانی دوم روابط تجاری دول عضو را در حد وسیعی تنظیم می‌نماید، اعمال تحریم‌های اقتصادی را بسیار محدود نموده است. در واقع به دنبال حمایت از سیستم تجارت آزاد و برداشتن مرزهای تجاری، دول عضو پذیرفتند هرگونه محدودیت تجاری را از بین ببرند و آنچه در برخورد مشابه معیار قرار می‌گیرد خود کالا است. در چنین نظامی تحریم‌های اقتصادی که رابطه تجاری با یک دولت عضو را محدود می‌سازند، می‌تواند نقض نظام تجارت آزاد محسوب شود. بررسی موانع سازمان تجارت جهانی در اعمال تحریم‌های اقتصادی، در بند آتی صورت می‌گیرد. سازمان تجارت جهانی به عنوان یک مرکز بزرگ که تجارت را در محدوده گسترده‌ای هدایت می‌کند و ضوابطی را برای روابط تجاری دول عضو وضع نموده است، قوانینی دارد که هرچند به ظاهر مخالفتی با اعمال تحریم‌های اقتصادی ندارد، اما پابندی به آنها وضع تحریم‌ها را مگر در شرایط بسیار خاص و مضیق محدود می‌سازد.

۴-۱. ضوابط حقوق رقابت در سازمان تجارت جهانی

در چهارچوب سازمان تجارت جهانی، اجازه تحریم‌های عمومی بسیار و یا حتی می‌توان گفت کالا محدود شده است، اما بسیار تلاش شده که با یک تفسیری تحریم‌های حقوق بشری قابلیت اعمال پیدا کند. نویسندگانی که وضعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی را در قالب موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت بررسی می‌کنند، تحریم‌ها را به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱- تحریم‌های مناسب؛ که منظور تحریم‌هایی است که مستقیماً مرتبط با نقض حقوق بشر است و ممکن است از راه تولید و یا مصرف کالایی خاص صورت پذیرد. ۲- تحریم‌های نیمه



مناسب که منظور از آن^۱ تحریم‌هایی است که به طور غیرمستقیم مرتبط با نقض حقوق بشر است؛ مثل کالاهایی که درآمد حاصل از فروش آنها صرف اعمال ضدحقوق بشری می‌شود.^۳ تحریم‌های عمومی^۲ که اشاره به تحریم‌هایی دارد که فارق از ارتباط با کالای خاص، می‌توانند به صلاحدید یک کشور اعمال شوند. (H.Claveland 2003: 133) بیشتر این بحث‌ها به این خاطر مطرح می‌شود که نویسندگان و توجیه‌کنندگان تحریم، در قالب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت معتقدند وجود تحریم برای ضمانت اجرای رعایت حقوق بشر در دنیای تجارت آزاد، ضروری است. این در حالی است که مطالعاتی که به بررسی کارایی تحریم‌ها پرداخته‌اند، از ثابت کردن چنین نقشی برای تحریم‌های اقتصادی بازمانده‌اند. (Wallenstein 189)

به نظر این عده، تحریم‌های مناسب هرچند امکان استفاده در چهارچوب سازمان تجارت جهانی را دارند، اما کارایی آنها پایین است؛ زیرا برای مثال نمی‌توانند کشوری را مورد تحریم قرار دهند که کالایی را با نقض حقوق بشر ساخته است اما برای مصرف داخلی استفاده می‌کند و یا به کشور ثالث صادر می‌شود، در حالی که تحریم‌های نیمه‌مناسب و عمومی بهتر می‌توانند این هدف را تأمین نمایند. (H.Claveland, 2003: 140) حال یکی از راه‌هایی که برای ممکن ساختن وضع تحریم‌های عمومی و نیمه‌مناسب پیشنهاد می‌شود، تفسیر تعهدات گات در پرتو سایر تعهدات حقوق بین‌الملل عرفی و یا معاهده‌ای دولت‌ها پیرامون حقوق بشر است. اما این دیدگاه هم به جواب روشنی نمی‌رسد، چون نه حقوق بین‌الملل عرفی و نه معاهده‌ای نمی‌گویند که دولت‌ها موظف به تضمین رعایت حقوق بشر از راه تحریم‌های اقتصادی هستند. (Ibid: 140).

اما به طور کلی تمام اقداماتی که برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، تحریمی علیه دولت ناقض وضع کند، با مانع مواد ۱ و ۳ پیرامون منع تبعیض و همچنین ماده ۱۱ در مورد عدم وضع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای برخورد می‌کند. البته ماده ۱ که منع تبعیض بین کالاهای مشابه است، جای این تفسیر را می‌تواند داشته باشد که

1. Semi- Tailored

2. General

کالاهای ساخته شده از طرق نقض حقوق بشر را از کالاهایی که طریقه ساخت آنها متفاوت است، متمایز کند (Wai, 2003: 61; Manuel Wasquez, 2010:811) نظری نیز از رکن استیناف وجود دارد که اجازه تمایز بین کالاها را براساس شاخص‌های غیرفیزیکی و غیرمرتبط با پروسه ساخت می‌دهد.^(۱۰) مواد ۲۰ و ۲۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت نیز پیرامون اقدامات مرتبط با جلوگیری از نقض حقوق بشر است^(۱۱) که برای توجیه اعمال تحریم‌های مناسب، از استثنائات ذکر شده در آن استفاده می‌شود.

استثنائات ماده ۲۰ مشروط به ضروری بودن و مناسب بودن است. اما سئوالات بسیاری پیرامون این استثنائات وجود دارد: نظیر اینکه حفظ حیات و اخلاق عمومی چه کسانی می‌تواند مطرح شود و آیا تنها کشور اعمال کننده تحریم و یا اتباع کشور مورد تحریم را هم شامل می‌شود؟ به نظر برخی، ماده ۲۰ اگر تنها برای اتباع کشور اعمال کننده باشد، هیچ مزیتی برای حقوق بشر نیست. (Manuel Wasquez, 2010: 800; H,Claveland, 2003: 158) در قضیه میگو - لاک‌پشت، رکن استیناف گفت از آنجا که صید میگوها به حیات لاک‌پشت‌ها لطمه وارد می‌کند و این موجودات قابلیت ورود به فضای تحت صلاحیت ایالات متحده را دارند، یعنی محیط زیست امریکا هم در معرض خطر قرار می‌گیرد.^(۱۲) در این پرونده هرچند روش صید میگوها در خارج از سرزمین ایالات متحده خلاف موازین حفظ محیط زیست است، اما امکان ورود لاک‌پشت‌ها به محدوده صلاحیت امریکا، برای دولت نفع مشروع در ممنوعیت وارد میگو ایجاد می‌کند.^(۱۳) در چنین شرایطی، مشروع دانستن قوانینی که ایجاد محدودیت واردات می‌کنند، نه از این جهت که رفتار اتباع دول دیگر را جهت دهی می‌کند، بلکه از این جهت که به قواعدی مستقل که الزام‌آور هستند (موازین محیط زیست) اثر می‌دهد، باید پذیرفته شود.

در ابتدا ذکر شد که اقدامات ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و ترجیحات، محدودیت ضرورت داشتن اقدام و مناسب بودن آن را در دو بند ابتدایی بیان می‌کند. ضرورت این گونه تفسیر می‌شود که تنها راه ممکن برای مقابله با ضرر باشد؛ لذا اگر راه دیگری موجود است که در عین حال مخالف اصول موافقتنامه هم نمی‌باشد؛ دولت باید از آن استفاده کند.^(۱۴) اینکه از اقداماتی استفاده شود که

کم‌ترین محدودیت را برای تجارت داشته باشد، به طور بالقوه می‌تواند مانع عظیمی برای طیف وسیعی از اقدامات علیه نقض حقوق بشر ایجاد کند. برای مثال در مورد تولیدات حاصل از کار کودک، ممکن است چنین نظر داد که آموزش حقوق کودک به این کشورها می‌تواند بسیار بهتر و موثرتر از تحریم واردات کالاهای آن کشورها باشد؛ زیرا اثر محدودکنندگی برای فعالیت‌های تجاری هم ندارند. (Ibid: 164)

این الزامات می‌تواند محدودیتی ایجاد کند که به سادگی نتوان هر منع واردات یا صادراتی در چهارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و ترجیحات پذیرفته شود. برای مثال اگر کشوری معمولاً برای تولید بخشی از محصول خاصی از کار زندانیان بهره می‌برد، نمی‌توان به طور قطع منع واردات کالا از این کشور را یک اقدام پذیرفته شده دانست؛ زیرا این احتمال وجود دارد که اقدام صورت گرفته مطابق با معیار تناسب شناخته نشود.

علاوه بر محدودیت ذکر شده در صدر ماده ۲۰ یعنی «خودسرانه نبودن» اقدام صورت گرفته، نباید همراه با «تبعیض ناعادلانه» و یا با «یک محدودیت پنهان بر تجارت بین‌الملل» همراه باشد. برای مثال در پرونده دیگر میگو - لاک پشت، رکن استیناف بیان داشت اگرچه اقدام دولت امریکا مرتبط با بخش «ز» (حفظ منابع پایان پذیر) از ماده ۲۰ است، اما از آنجا که یک روش صید محافظت شده را به کشورهای خارجی تحمیل می‌کند و واردات از کشورهایی که از این روش استفاده نمی‌کنند را با استناد به روشی غیرشفاف ممنوع می‌سازد؛ نشان می‌دهد که دولت امریکا بیشتر به دنبال دیکته کردن روش خاص به کشورهای دیگر بوده است تا حفاظت از محیط زیست و این موجب می‌شود که عمل دولت با صدر ماده ۲۰ هماهنگی نداشته باشد.^(۱۵) تفسیرهای ارگان استیناف از صدر ماده ۲۰ گویی این را می‌رساند که معیار ضرورت را بر تمام بندهای ماده ۲۰ اعمال می‌کند.

اگر بپذیریم که ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و ترجیحات (گات)، اقدامات تجاری را محدود به ضروری بودن ساخته است (هرچند این معیار تنها در دو بند از این ماده وارد شده است) و معیار ضروری بودن به موثر بودن یک اقدام برمی‌گردد، این بحث پیش می‌آید که آیا تحریم‌های اقتصادی برای جلوگیری از چنین نقض حقوق بشری موثر واقع می‌شود. حتی به نظر عده‌ای این تحریم باید

عمومی تر می‌بود تا بتواند تاثیری داشته‌باشد. (Manuel Vasquez, 2010: 823) به نظر عده‌ای، تحریم‌های عمومی حق هرکشور تحت حقوق بین‌الملل عرفی برای حفظ منافع مشروع اوست و هیچ اصلی در گات نمی‌تواند این حق عرفی را محدودسازد. وضعیت عام‌الرعايه^۱ حقوق بشر موجب می‌شود هرکشوری بتواند اجرای این حقوق را از دولت دیگر بخواهد و برای ضمانت اجرای آن تحریم‌های اقتصادی نیز اعمال کند. (H.Claveland, 2003: 161)

اما دشوار می‌توان چنین نتیجه‌گیری از وضعیت عام‌الرعايه حقوق بشر را پذیرفت؛ زیرا روشن نیست که حقوق بین‌الملل مخصوصا بعد از سازمان ملل متحد به دولت‌ها چنین قدرت وسیعی برای اقدامات متقابل داده باشد و همین طور زبان محدودکننده گات که در مواد ۱ و ۳ آمده است، ضمانت اجرای حقوق بشر در قالب تحریم‌های اقتصادی را با مانع روبه‌رو کرده است. به هر حال اگر قائل باشیم که حقوق بین‌الملل عرفی همچنان حق دولت‌ها در وضع تحریم در جلوگیری از نقض حقوق بشر را پذیرفته است، باید از خود پرسید این چه عرفی است که موافقتنامه عمومی تعرفه و ترجیحات (گات) صریحا خلاف آن را وضع نموده است.

همین طور اگر بحث از ضرورت و تاثیر شود، باید پرسید آیا روشی موثرتر از تحریم‌های اقتصادی وجود ندارد؟ با توجه به اینکه اقدامات تجاری برای الزام حقوق بشر تنها یکی از طرق حمایت از این حقوق است و این نیز در شرایطی است که دولت‌های در حال توسعه قدرت اقتصادی برای اجرای حقوق بشر و یا شکایت در ارگان حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی را ندارند. چرا نباید از روش‌هایی استفاده کرد که بی‌طرفانه‌تر، متقاعدکننده‌تر و احتمالا موثرتر نیز هستند. برای مثال چه ایرادی در استفاده از شروط رعایت حقوق بشر که در معاهدات تجاری اتحادیه اروپا با دول ثالث استفاده می‌شود وجود دارد، به علاوه اینکه این روش‌ها و روش‌هایی این‌چنینی، خالی از شائبه حمایت از تولیدات داخلی و انگیزه‌های سیاسی است. (Horney, 2003: 698) محدودیت‌های اعمال تحریم‌های اقتصادی تنها مرتبط با حق مستقیم دولت‌ها بر تجارت نیست بلکه حقوق اجتماعی

1. Erga Omnes

که باید شهروندان از آنها برخوردار باشند، مانند حق بر اموال و بهره‌بردن از تجارت خود، می‌تواند در اعمال تحریم‌های اقتصادی ایجاد مانع کند.

۲-۴. ضوابط حقوق اجتماعی

وقتی تحریم‌ها موضوع کار قرار می‌گیرند، احتمال دارد انواع مختلفی از شکایات نقض حقوق فردی که از اعمال این تحریم‌ها رخ می‌دهد مطرح شود و انگیزه و توی چنین تحریمی را افزایش دهد. (Halberstam, 2008: 1) این شکایات می‌تواند مبانی مختلفی داشته باشد، اما مهم‌ترین آنها متاثر شدن حق بر اموال و استفاده مسالمت‌آمیز از اموال و از دست دادن تجارت است. اما موفقیت‌آمیز بودن طرح این شکایات بستگی به این دارد که این حقوق تا چه حد در کشور محل طرح شکایت حمایت شده‌اند و آیا به طور کلی برای حقوق اجتماعی ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده‌است؟ همچنین با توجه به اینکه واضح تحریم چه مرجعی باشد، ممکن است امکان شکایت نسبت به تحریم محدود شود. برای مثال ممکن است نتوان مشروعیت تحریم‌های وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد را زیر سؤال برد و یا با پذیرفتن شکایت، از اعمال آن تحریم صرف‌نظر نمود.

با این همه این شکایت ممکن است در اتحادیه اروپا و مشخصاً دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شود. از آنجا که اتحادیه اروپا خود واضح برخی تحریم‌ها است و از سوی دیگر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن برای نقض حقوق بشر ضمانت اجرا در نظر گرفته‌اند، امکان طرح ادعای متضرر شدن از تحریم‌ها مخصوصاً وقتی تحریم از نوع هدفمند باشد، وجود دارد. طرح شکایت همچنین می‌تواند در کشور واضح تحریم صورت گیرد و یا در کشور هدف؛ زیرا هر دوی آنها تعهداتی حقوق بشری دارند مخصوصاً کشور هدف که متعهد به فراهم ساختن استانداردهای اجتماعی برای شهروندان خود است و این تعهد نه تنها به طور ضمنی در میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی وجود دارد، بلکه تعهدی تحت حقوق بشر عرفی نیز محسوب می‌شود.

۵. شکایت اشخاص خصوصی در دیوان اروپایی حقوق بشر

ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به هر فرد یا سازمان غیردولتی یا گروهی از



افراد که ادعا دارند حقوق آنها تحت عهدنامه توسط دول عضو آن نقض شده است، حق شکایت می‌دهد.^(۱۶) اما نقش دادگاه‌های اروپایی در مسئله حقوق بشر متفاوت است. یعنی اگرچه دادگاه‌های اروپایی بر دادگاه‌های ملی برتری دارند، اما در زمینه حقوق بشر، دادگاه‌های اروپایی نقش فرعی و مکمل دارند و با احترام به فرهنگ دموکراسی کشورهای عضو، در کنار ضمانت‌های ملی حقوق بشر عمل می‌کنند. (Petersman, 2008: 775) اگر یک فرد معتقد باشد که شخصا و مستقیما قربانی نقض حقوق و یا ضمانت‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و یا پروتکل‌های آن شده است و این نقض از جانب یکی از دول عضو کنوانسیون مزبور صورت گرفته است، می‌تواند درخواست رسیدگی خود را به دیوان بدهد. اما لازم است که قبل از درخواست به کلیه شیوه‌های جبرانی که تحت حقوق ملی برای او موجود بوده است، متوسل شده باشد و هیچ نتیجه‌ای نیز حاصل نشده باشد.^(۱۷) لازم نیست این فرد تبعه یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون باشد بلکه کفایت نقض حق توسط یک دولت عضو آن هم در محدوده صلاحیت او (که معمولا سرزمین اوست)، صورت گرفته باشد. همچنین این شکایت نمی‌تواند از یک قانون و یا یک اقدام دولتی به طور کلی باشد، برای مثال به این دلیل که آن را ناعادلانه می‌پندارد، بلکه باید به طور مشخص بگوید چرا آن عمل را ناقض حقوق خود می‌داند.

در مورد قدرت دیوان در اجرای تصمیمات خود نیز باید خاطر نشان ساخت که دیوان دارای این قدرت نیست که تصمیم و یا قانون داخلی را لغو کند، حتی مسئول اجرای رأی صادره هم نیست بلکه مسئولیت به محض صدور رأی با کمیته وزیران شورای اروپاست.^(۱۸) اما وضع تحریم‌های اقتصادی برای فردی که شهروند یک کشور عضو اتحادیه اروپا و یا مقیم آنجا و یا اموالی در آن کشورها دارد و یا حقوق آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، موجب می‌شود تا سازمان ملل، اتحادیه اروپا و دولت اروپایی در مورد حقوق این فرد وارد یک نبرد شوند. زیرا تعهدات دولت تحت حقوق اتحادیه اروپا می‌تواند متفاوت از تعهدات او تحت منشور سازمان ملل باشد و این بحث پیش می‌آید که اولویت با کدام است. به نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، جامعه اروپا می‌تواند تحریم‌های اقتصادی وضع شده توسط شورای امنیت را از جهت تطابق آنها با حقوق بنیادین مورد بازنگری قرار دهد و شورای

امنیت نمی‌تواند مانع این امر شود؛ چون خود شورا راه‌های ورود یک قطعنامه به نظام داخلی اعضا را باز گذاشته است. لذا به نظر این دادگاه ممکن است یک قطعنامه به دلیل مخالفت با حقوق بنیادین اجرا نشود؛^(۱۹) یعنی به طور ضمنی اولویت را با حقوق جامعه اروپا دانسته است.

اما بحث دیگر این است که مبنای ادعای شاکیان تحریم‌های اقتصادی چه می‌تواند باشد؟ درخواست کنندگان یا شاکیان در دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توانند ادعا کنند که با بلوکه شدن اموال آنها در جهت اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، دولت عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حقوق عهدنامه‌ای آنها را نقض کرده است. این حقوق می‌تواند از دست دادن مالکیت، تجارت و یا تحمیل خسارت ناروا باشد. اما این دیوان به اعمالی که مستقیماً توسط خود سازمان ملل متحد صورت گرفته است و یا تصمیماتی که یک دولت در ارگانی از سازمان ملل اتخاذ کرده است، رسیدگی نمی‌کند. برای همین دیوان اعلام کرد در مورد عمل دولتی که قدرت تفویضی خود در شورای امنیت را اعمال کرده است و نیروی نظامی خود را به عملیات شورا اختصاص داده است، صلاحیت ندارد.^(۲۰) اما اعمالی که دولت در رابطه با حقوق افراد انجام می‌دهد، هرچند که در تلاش جهت مطابقت با قطعنامه‌های شورای امنیت باشد، قابل پیگیری در دیوان اروپایی حقوق بشر است.

(Halberstam, 2008: 20) پرونده کادی مربوط به تحریمی است که علیه یاسین عبدالله کادی، یک تبعه عربستانی و البرکه یک موسسه در سوئیس که بایک شبکه مالی در سومالی نیز ارتباط داشت بود. این پرونده یکی از سری پرونده‌هایی است که در ارتباط با تحریم‌های شورای امنیت مطرح شده است. در این پرونده هرچند دادگاه بدوی درخواست شاکیان را رد کرد، اما دیوان اروپایی حقوق بشر حکم به جبران خسارتی داد که در نتیجه مقررۀ شورای اروپا برای عملی کردن قطعنامه ضد تروریست رخ داده بود.^(۲۱)

در نظر دادگاه بدوی، حق بر اموال به طور کلی و تضمین برخورداری از آن تحت قواعد آمره وجود دارد، اما این حق با بلوکه شدن اموال نقض نمی‌شود؛ چون اولاً استثنائاتی وجود دارد که با استناد به آنها با درخواست شاکی و عدم مخالفت صریح کمیته تحریم، بخشی از وجوه بلوکه شده برای رفع نیازهای ضروری و اولیه



آزاد می‌شود و دوم اینکه بلوکه کردن، عملی احتیاطی است و مثل مصادرهٔ اموال نیست. همچنین حق بر اموال نیز هنوز حقی عرفی محسوب نمی‌شود. این حق هرچند در اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد شد، اما در دو میثاق بحثی از آن به میان نیامده است و آنچه که معمولاً از آن حمایت می‌شود، تضمین حق استفادهٔ صلح‌آمیز از اموال است و نه حق بر اموال. در بسیاری از کشورها نیز دولت‌ها ملزم به محترم شمردن حق بر اموال نیستند. (Ibid: 43; Brennan, 1977: 492) اما واقعیت این است که حق بر اموال باید یکی از حقوق عرفی شمرده شود، چه اینکه انسان از ابتدای بشریت حق خود را بر اموال به صورت مالکیت جمعی یا فردی اعمال می‌کرده است و اساساً مالکیت حقی است که انگیزه تلاش اقتصادی و مشارکت تجاری را فراهم می‌سازد. اگر از این حق حمایت به عمل نیاید، اثرات سوء اقتصادی به جا خواهد گذاشت. به علاوه اینکه کمیتهٔ تحریم سازمان ملل نتوانسته است موفق عمل کند و عدم امکان حضور فرد هدف تحریم در پروسه بازنگری، این ایراد را برجسته کرده است. بنابراین نیاز به روشی است که بتواند از حقوق مشروع اشخاص حمایت کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد دادگاه بدوی در استدلال خود دچار یک تناقض شده است؛ زیرا با این که حق بر اموال را به طور کلی یک قاعده آمره می‌داند، اما به سبب آنکه در بسیاری از کشورها این حق مورد حمایت نیست، از شناخت آن به عنوان حقی عرفی خودداری می‌کند. این در حالی است که به صرف آمره بودن یک قاعده دولت‌ها موظف به تبعیت نمودن از آن هستند.

حق دیگری که می‌تواند مبنای شکایت قرارگیرد، حق استماع نزد محاکم صالح است. دادگاه بدوی اظهار داشته بود که این حق وقتی مسئله اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت در میان است، اجرا نمی‌شود.^(۲۲) به نظر این رکن حق استماع، زمانی توسعه یافت که جامعهٔ اروپا در مورد دامپینگ و رویه‌های ضدرقابتی بسیار وارد می‌شد و نه در موضوعاتی که از ابتدا نیز صلاحیت محدودی داشته‌است. حتی حق استماع که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی وارد شده است، مطلق نیست و یکی از محدودیت‌های آن نفع عمومی است که این نفع در مورد تحریم‌ها می‌تواند وجود داشته‌باشد. در مجموع رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در پروندهٔ «کادی علیه شورا» و پرونده‌های مشابه آن نشان می‌دهد که امکان طرح

شکایت از تحریم‌های سازمان ملل متحد و همچنین تحریم‌های اتحادیه اروپا که بر حقوق شهروندان اثر سوء می‌گذارد، وجود دارد.

۶. شکایت اشخاص خصوصی در کشور اعمال کننده تحریم

شکایت در کشور اعمال کننده تحریم می‌تواند مبانی گوناگونی داشته باشد، اما تمام آنها مشروط به این است که چه قدر این دولت اجازه دسترسی به محاکم را به اتباع بیگانه می‌دهد و تا چه اندازه برای حقوق بشر ضمانت اجرا قائل است؛ هرچند که برخی از این مبانی می‌تواند حتی بدون شکایت اتباع دولت هدف وجود داشته باشد و تحریم وضع شده را نقض کند. دولت اعمال کننده تحریم نمی‌تواند ادعا کند که مسئول تحریم‌های شورای امنیت نیست؛ زیرا پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل برای مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی در ماده ۲۸ خود مقرر می‌دارد: «یک دولت که عضو سازمانی بین‌المللی است، اگر یکی از تعهدات خود را از طریق ایجاد سازمان دارای صلاحیت در زمینه آن تعهد اعمال کند و آن سازمان عملی را انجام دهد که اگر خود آن دولت انجام می‌داد نقض تعهد محسوب می‌شد، دولت عضو مسئول آن عمل شناخته می‌شود».^(۲۳) حتی وقتی که یک دولت تصمیم‌گیری در یک سازمان را دیگر کنترل نمی‌کند، ممکن است هنوز مسئول شناخته شود؛ به این سبب که تحت قانون داخلی به ملزم شدن با اعمال صلاحیت این سازمان رضایت داده است.

یکی از مبانی که برای طرح شکایت وجود دارد، قانون‌گذاری‌هایی است که توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد و یک دولت دیگر را مورد تحریم قرار می‌دهد و این که اثر فراسرزمینی این قانونگذاری‌ها می‌تواند مشکل ساز شود. برای مثال دولت ایالات متحده آمریکا متوجه این اثر قوانین خود مخصوصاً در مورد تحریم کوبا و لیبی بوده است، هرچند که در مورد ایران هنوز در حال بحث است که شرکت‌های فرعی یک شرکت امریکایی هم مورد تحریم قرارگیرند.^(۲۴) اتحادیه اروپا که مخالف قانون تحریم ایران است که امریکا وضع نموده بود، یک شکایت هم در سازمان تجارت جهانی مطرح کرد؛ زیرا قانون وضع شده را فراسرزمینی و مخالف اصول «موافقتنامه عمومی تعرفه و ترجیحات» می‌دانست. اما در آوریل ۱۹۹۷، اتحادیه



اروپا و آمریکا موافقتنامه‌ای امضا کردند که در آن از دعاوی مربوط به تحریم ایران و کوبا صرف نظر کنند.^(۲۵) همچنین قانون ایالت ماساچوست ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ که تجارت با دولت برمه (میانمار) را منع می‌کرد و برای فرد خاطی مجازات هم وضع می‌نمود در سال ۲۰۰۰، توسط دیوان عالی کشور به دلیل مغایرت با قانون اساسی و نقض اختیارات انحصاری دولت فدرال برای تنظیم امور خارجه نقض شد.^(۲۶) (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

یک مبنای دیگر برای طرح شکایت علیه دولت واضع تحریم، حقوق بشر است. تا مدت‌ها تحریم‌های اقتصادی وسیله‌ای برای اجبار یک دولت به تبعیت از حقوق بشر بود، اما امروزه حقوق بشر خود با خاصیت تقابلی^۱ علیه دولت اعمال کننده تحریم به کار می‌رود تا دولت اعمال کننده را مسئول نقض حقوق اتباع دولت هدف بداند.^(۲۷) اطلاعات دقیقی از وضعیت پیگیری حقوق اشخاص در دادگاه‌های ملی از اثرات تحریم وجود ندارد. اما معمولاً هر تلاشی در این راستا با ادعای مصونیت شورای امنیت روبه‌رو می‌شود و از سوی دیگر، دولت‌ها این‌گونه می‌پندارند که قطعنامه‌های شورای امنیت تمام تعهدات حقوق بشری آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.^(۲۸) اما در این میان، دادگاه بروکسل نیز حکمی صادر کرده است که برای دولت مجازاتی به صورت پرداخت خسارت برای هر روز که اموال خواهان بدون دلیل بلوکه شده را در نظر گرفته است.^(۲۹)

۷. حق شکایت اشخاص خصوصی از اثرات تحریم علیه دولت هدف

فراهم ساختن وسایل حقوق بشر و حقوق اجتماعی شهروندان، نیاز به توسعه اقتصادی دارد. دولت‌ها هرچند متعهد به خودداری از دخالت در حقوق مدنی سیاسی هستند، اما در مورد حقوق اجتماعی و اقتصادی باید عمل مثبت در راستای اعطای آنها انجام دهند. در واقع روش نظارت بر اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مورد حقوق مدنی سیاسی متفاوت از حقوق اقتصادی فرهنگی و اجتماعی است. هر دولتی یک گزارش دوره‌ای از وضعیت حقوق بشر در کشور خود و اقدامات لازم برای مطابقت با تعهدات حقوق بشری آماده می‌کند که در یک کمیته بررسی می‌شود و از دید دغدغه‌های دولت

بر روی آن بحث و گفت‌وگو صورت می‌گیرد. همچنین به جای استفاده از یک نظام اجرایی از یک روش نظارتی استفاده شده‌است تا آگاهی نسبت به حقوق بشر افزایش یابد و دولت نیز تلاش کند که در گزارش‌های بعدی، عدم تطابقتی را که موجود بوده‌است، رفع کند. از سوی دیگر، برای حقوق مدنی سیاسی، یک نظام فردی وجود دارد یعنی خود افراد می‌توانند شکایت خود را پس از عدم اتخاذ نتیجه از رجوع به دادگاه‌های ملی به کمیته مخصوص بدهند.^(۳۰)

توسعه اقتصادی نه تنها از لحاظ مادی برای ایجاد استانداردهای زندگی و کار در سطح مطلوب لازم است، بلکه از لحاظ سیاسی نیز سطحی از توسعه اقتصادی لازم است تا آگاهی‌های اجتماعی برای درخواست این حقوق وجود داشته‌باشد و در عمل دولت برای فراهم کردن استانداردهای حقوق اجتماعی، تحت فشار قرارگیرد. برای مثال فراهم‌سازی حق دسترسی به امکانات آموزشی، نیاز به سرمایه‌های عظیم دارد که خود مستلزم توسعه اقتصادی یک کشور است تا بتواند این امکانات را فراهم سازد. از سوی دیگر، نیاز به افزایش آگاهی اجتماعی است تا مردم از حقوق خود مطلع باشند و این استانداردها را از دولت خود طلب کنند و همین افزایش آگاهی نیز می‌تواند زمینه توسعه اقتصادی را فراهم کند. مثلاً مردم مانع سیاست‌های اقتصادی غلط دولت خود که منجر به اسراف‌گرایی و اتلاف منابع است، می‌شوند.

امروزه جدایی ناپذیر بودن توسعه اجتماعی - اقتصادی از ابزارهای تجاری، امری است غیرقابل انکار، زیرا به وضوح مشاهده می‌شود کشورهایی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند، از استانداردهای بالاتر اجتماعی و اقتصادی برای اتباع خود استفاده می‌کنند. درخواست این حقوق اجتماعی از دولت هدف تحریم، می‌تواند او را برای تن دادن به تغییراتی که مطلوب دولت واضع تحریم است، تحت فشار بگذارد. (همان: ۱۵۴) حتی از اصطلاحاتی چون تجارت عادلانه سخن به میان می‌آید که یکی از اهداف آن توجه به فضایی است که تجارت بین‌الملل در آن به وقوع می‌پیوندد، مثل تاثیر تجارت بر پیشبرد رویه‌هایی که منجر به افزایش احترام به حقوق بشر شود. این ارتباط، با تحولات حقوق بین‌الملل آنچنان که در اعلامیه هزاره توسعه و مفهوم تعهد به همکاری دولت‌ها در جهت توسعه همه‌جانبه منعکس شده است، نمود بیشتری می‌یابد.



برای تجار به صرفه‌تر است که تجارت و سرمایه‌گذاری خود را در کشوری متمرکز کنند که استانداردهای محیط زیست، حقوق کار و بهداشتی پایین‌تری دارد تا هزینه کم‌تری جهت تطبیق با قوانین پردازند. در این صورت کشورهایی که استانداردهای بالاتری را وضع می‌کنند، سود کم‌تری عایدشان می‌شود. البته به نظر برخی، سرمایه‌گذاران تمایل دارند در کشوری سرمایه‌گذاری کنند که ثبات اقتصادی و سیاسی بالاتری دارد و معمولاً چنین کشورهایی استانداردهای بالاتری نیز از نظر حقوق کار و استانداردهای تولید دارند. لذا در عمل، وضعیت به نفع کشورهای ضعیف نیست تا بتوانند با استفاده از هنجارهای ساده‌تر، سرمایه‌گذاری بالاتری جذب کنند؛ چون سرمایه‌گذار وضعیت یک کشور را در کل می‌نگرد و فقط یک شاخص را لحاظ نمی‌کند. (M. Stern et al, 2003: 4; Sykes, 2003: 2)

اما در کنار چنین ادعاهایی، باید پرسید پس چرا آنچه که در عمل رخ می‌دهد، حکایت از واقعیتی دیگر دارد. گزارشات مربوط به نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های چندملیتی که حقوق کار اتباع را نقض کرده‌اند، حاکی از واقعیت دیگری است.^(۳۱) لذا اگر استانداردهای حقوق اجتماعی و حقوق بشری در همه جوامع بالا باشد، کم‌تر با پدیده مزیت نسبی انتقال یافته برخورد می‌کنیم و رقابت قضایی در زمینه‌های مثبت مثل سرعت در رسیدگی و عادلانه بودن روند محاکمه بروز می‌یابد و نه در ساده‌تر بودن قوانین و الزامات کم‌تر. پس تجارت عادلانه باید با توجه به فضایی که تجارت در آن رخ می‌دهد، قوانین و سیاست‌های داخلی را هم مد نظر قرار دهد. وجود تحریم‌های اقتصادی نه تنها منابع لازم برای بهبود استانداردهای اجتماعی را از بین می‌برد بلکه باعث ترغیب دولت هدف به استفاده از الزامات کم‌تر و قوانین آسان‌تر می‌شود تا فضا را مطلوب سرمایه‌گذاری کند که به دنبال کاهش هزینه‌های ناشی از انطباق با قوانین است و به این صورت دولت هدف کمبود منابع ناشی از وضع تحریم‌ها را تا حدی جبران کند.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی می‌تواند مانعی بر سر راه پیشبرد حقوق بشر و استانداردهای اجتماعی - اقتصادی باشد. این حقوق صرفاً حقوق بشری که معمولاً با قید «پایه» و

«اولیه» مثل حق بر دارو و حداقل‌های زندگی خوانده می‌شود نیست بلکه فراتر از اینها اشاره به حقوقی دارد که خود وسیله فراهم‌سازی سایر حقوق بشری است و آن حق بر تجارت و مشارکت اقتصادی است. ناگفته نماند که بررسی تاثیر تحریم بر قرارداد نمی‌تواند به دور از تاثیر آن در کل بر جامعه جهانی باشد؛ زیرا همین تاثیرات بر جامعه و نگاه جامعه جهانی به تحریم و محدودیت‌های اعمال آن است که می‌تواند تاثیر این واقعه بر قرارداد را شدید یا ضعیف کند. برای مثال وقتی جامعه جهانی خود را ملزم به رعایت حقوق بشر اتباع دولت هدف می‌داند و به اهمیت حق تجارت و مشارکت اقتصادی دولت هدف و تاثیر آن بر پیشرفت حقوق بشر و استانداردهای اجتماعی واقف است، اعمال تحریم‌های اقتصادی محدود به وضعیت‌های خاصی است که روش‌های مسالمت‌آمیز دیگر جوابگو نیستند و از این طریق، قراردادها و اجرای آنها نیز کم‌تر متاثر از تحریم می‌شوند. چندان روشن نیست که جامعه جهانی چه قدر خود را ملزم به رعایت این حقوق می‌داند، اما استفاده از حقوق بشر در **شکل تقابلی** آن به عنوان وسیله‌ای در برابر کشورهای صنعتی و پیشرفته که اغلب واضع تحریم هستند، همین‌طور شورای امنیت، در حال رشد است.

برای مثال در ایالات متحده آمریکا هیچ‌کدام از قوانینی که اجازه وضع تحریم می‌دهند، جلوی شرایطی را که به حقوق بشر لطمه می‌زند را نمی‌گیرد جز قانون اختیارات فوق‌العاده بین‌المللی رئیس‌جمهور که می‌گوید ارسال کالا به کشور هدف برای اهداف بشردوستانه نباید ممنوع شود، مگر در صورتی که: ۱- مانع مدیریت وضعیت فوق‌العاده در ایالات متحده شود، ۲- در پاسخ به فشار علیه گیرنده یا اهدا کننده بالقوه این کم‌کمها باشد و ۳- نیروی ارتش ایالات متحده را در خطر اندازد. (۳۲)

بنابراین بررسی تحریم‌های اقتصادی در طیف گسترده و با توجه با آثاری که آنها در دنیای به هم وابسته و پیچیده امروز برجای می‌گذارند، استناد به حقوق بشر و استانداردهای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به شکل متقابل از سوی دولت هدف تحریم و نه تنها از سمت دولت‌های واضع تحریم برای اعمال تحریم عنوان شود. نگاهی دقیق به تاریخچه تحریم‌های اقتصادی، می‌تواند آینه این واقعیت باشد که تحریم‌های اقتصادی نه تنها منجر به دستیابی به هدف خود نشده‌اند بلکه در جهت معکوس نیز وضعیت حقوق بشر را تنزل داده‌اند.*



یادداشت‌ها

۱. اما به راستی مشخص نیست چنین تفکیکی بین حقوق بشر پایه و ابتدایی و سایر حق‌های بشری از کجا ناشی می‌شود، در حالی که هیچ تعریفی از اینکه حقوق بشر پایه و یا هسته‌ای چه هستند وجود ندارد. / و چرا باید بین حق بر تجارت و برخورداری از سطح مطلوب زندگی با حق بر دارو تمایز قائل شد. آن هم در وضعیتی که اتباع هیچ نقشی در سیاست‌های دولت ندارد و گفته می‌شود که تحریم بر دولت اعمال می‌شود اما اثرات مستقیم آن را مردم به عنوان جمعیت تشکیل دهنده دولت درک می‌کنند. ببینید:

Monika Zagel, Gudrun, WTO and Human Rights: Examining Linkeage and Suggesting Convergence, International Development Law Organization, vol2, no2, 2005, P19-20.

۲. هر کشوری سیاست‌ها، اهداف، اولویت‌ها و تجارب خود را از حقوق بشر دارد. معنای این حقوق هم نزد دانشمندان مختلف متفاوت است. در سال ۲۰۰۰ برنامه سازمان ملل متحد برای توسعه از حقوقی صحبت می‌کند که افراد بشر را برای اینکه فعالان اقتصادی بهتری باشند، توانا می‌کند. ببینید:

Human Development Report 2000:

<http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2000/chapters/> (last access: 20 January 2013)

Ariel Aarson, Susan, M. Zimmerman, Jamie, Trade Imbalance: The Struggle to Weigh Human Rights Concerns in Trade Policy Making, New York Cambridge University Press 2008. ,P9

۳. حقوق بشر تنها آنچه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است نیست بلکه استانداردهای پایه اجتماعی که در سازمان بین‌المللی کار حمایت شده‌است را هم شامل می‌شود و سپس در معاهدات مختلف سازمان بین‌المللی کار توسعه یافت که بر مبنای ماده ۲۳ و ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیباچه و مواد ۶-۸ از میثاق حقوق اجتماعی - فرهنگی بوده‌است. ببینید:

ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, 18 June 1998, at

http://www.ilo.org/dyn/declaris/DECLARATIONWEB.static_jump?var_lan

guage=EN&var_pagename=DEC (last access: 20 January 2013);

Monika Zagel, Gudrun, above note 1, P6.

۴. اما به هر حال باید به جنبه دیگر تجارت جهانی هم توجه داشت. هر چند ظهور تجارت جهانی پیدا کردن جایگزینی برای تجارت را دشوار می‌کند و کم‌تر کشوری می‌تواند نیازهای خود را برآورده کند و تجارتی هم نداشته باشد. اما از سوی دیگر همین شبکه جهانی موجب می‌شود قطع رابطه با یک کشور - خواه به دلیل تحریم - آسان‌تر شود چون به راحتی می‌توان همان رابطه را با کشور دیگری برقرار کرد.

۵. Amaryta Sen برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸.

۶. برای ملاحظه بررسی آماری تاثیر افزایش تولید ناخالص ملی بر افزایش رعایت استانداردهای حقوق بشری ببینید:

Sykes, Alan O, International Trade and Human Rights, An Economic Perspective, Chicago Working Paper, the Law School, the University of Chicago, May 2003, p4, Footnote 9.

۷. مثل بخش ۳۰۱ از قانون متحد تجارت ایالات متحده و یا مقررات مربوط به موانع تجاری در جوامع اروپایی.

8. Estimations Based on Oneal & Russett (2005) Conflict Equation and Long's (2008) Trade Equation and Data, 1984-1997.

به نقل از:

W.Polachek, Solomon, Seiglie, Carlos, 2006, P3,

در حالی که ۵۵٪ کشورهای غیردموکرات رابطه ضعیفی باهم دارند تنها ۵٪ کشورهای دموکرات چنین وضعیتی دارند.

۹. مورد مثال نقض جنگ جهانی اول یک نویسنده می‌گوید آن زمان رهبران بر ارزش تجارت واقف نبودند و فکر می‌کردند آتش جنگ زودتر از اینها پایان می‌گیرد. ببینید:

Richard Rosecrance, The Rise of the Trading State: Commerce and Conquest in the Modern World (New York: Basic Books, 1986), pp. 13-14; 24-25.

به نقل از:

Copeland, Dale C., Economic Interdependence and War: A Theory of Trade Expectations, International Security, Vol 20 No 4 spring 1996, P5.

10. WT/DS135/AB/R 12 MARCH 2001, European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products.

هر چند که عده‌ای معتقدند شباهت یا تفاوت کالاها باید براساس شاخص‌های فیزیکی کالا و برخی جنبه‌های آن کالا از نظر نحوه برخورد و استفاده در کشور وارد کننده. ببینید:

۲۰۳ Manuel Vázquez, Carlos, 2010, P812.



اما باز در رای تن دلفین دو (DS381) دولت‌ها را از اعمال استانداردهای ملی از طریق محدودیت‌های تجاری بر کشور دیگر که منجر به گران شدن پروسه تولید می‌شود منع می‌کند و یا اینکه یک کشور، کشور دیگر را مجبور به رعایت استانداردهای خاص بهداشت یا اجتماعی و کار کند.

US — Tuna II (Mexico), request for consultation: 24 October 2008, panel report: 15 September 2011, appellate body report: 16 May 2012.

۱۱. قانون سال ۲۰۰۰ ایالات متحده آمریکا که واردات محصولات کار اجباری یا کار کودکان را منع می‌کند. قانون تجارت و توسعه، سرفصل ۴ بخش ۴۱۱ a این قانون محدودیت‌های بر مبنای پروسه تولید را شرح می‌دهد، ببینید:

Monika Žagel, Gudrun, above note 1, P11.

12. Appellate Body Report Concerning United States- Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products. WT/DS58/AB/R, 12 October 1998, Para 133.

13. WT/DS/58/AB/R 12 October 1998, United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products.

14. WT/DS135/AB/R 12 MARCH 2001, European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products, para170

15. WT/DS58/AB/RW 22 OCTOBER 2001, United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products Recourse to Article 21.5 of the DSU by Malaysia, Related to Paragraph (g) of article 20, Para129.

16. article 34: Individual applications: The Court may receive applications from any person, nongovernmental organisation or group of individuals claiming to be the victim of a violation by one of the High Contracting Parties of the rights set forth in the Convention or the Protocols thereto. The High Contracting Parties undertake not to hinder in any way the effective exercise of this right.

در مورد اینکه چه کسانی حق دادخواهی از دیوان اروپایی حقوق بشر را دارند و صلاحیت سرزمین این دیوان چگونه تفسیر می‌شود، ببینید:

سادات اخوی، سیدعلی، حسینی اکبرنژاد، حوریه، اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۳۶-۹.

17. article 35: Admissibility criteria 1. The Court may only deal with the matter after all domestic remedies have been exhausted, according to the generally recognized rules of international law, and within a period of six months from the date on which the final decision was taken.

18. Article 46 Binding force and execution of judgments. . . The final judgment



- of the Court shall be transmitted to the Committee of Ministers, which shall supervise its execution.
19. T-315/01, Kadi v. Council, [2005] ECR II-0364, Kadi (CFI), at 299,
20. Agim Behrami and Bekir Behrami Against France, Application no. 71412/01, 45 Eur. Ct. H.R. Behrami, at 122, available at: <http://graduateinstitute.ch/faculty/clapham/hrdoc/docs/ECHRBehrami.doc> (last access: 20 January 2013)
21. C-402/05 P, Kadi v. Council (Grand Chamber), Judgment of 3 September 2008, nyr, above note 48
22. T-315/01, Kadi v. Council, [2005] ECR II-03649, para, P258, above note 48.
۲۳. گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در پنجاه و هشتمین جلسه خود در تاریخ اول تا نهم ژوئن و سوم جولای تا ۱۱ آگوست ۲۰۰۶ در سند این شماره: 282 U.N. Doc. A/61/10 (2006), available at: http://untreaty.un.org/ilc/guide/9_8.htm (last access: 20 January 2013)
24. Halliburton and U.S. Business Ties to Iran, Hearing before the Subcommittee on Interstate, Trade and Tourism, 110 Congress, April 30, 2007, P31.
۲۵. در این سایت متن موافقتنامه اعراض از دعاوی آمده: http://www.parstimes.com/law/albright_southpars.html (last access: 20 January 2013)
۲۶. ژاپن و اتحادیه اروپا از این قانون در ارگان حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی شکایت کردند.
- برای مشاهده وضعیت آزادی‌های ایالات در وضع قوانین تجاری که ایجاد محدودیت بر تجارت داشته باشد ببینید:
- Public Citizen's Global Trade Watch, States' Rights and International Trade, a Legislator's Guide to Reinvigorating Federalism in the Era of Globalization, February 2007.
27. chafiq ayadi v. council of the European union, Ayadi v. Council, [2006] ECR II-02139, available at: <http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:62002A0253:EN:HTML>, (last access: 20 January 2013)
۲۸. دادگاه انگلیسی در دعوایی که علیه دولت انگلیس مطرح شده بود، به همین محدودیت اشاره کرد و تنها در صورتی که ادعا مربوط به حقوق آمره باشد دولت مسئول است
29. Halberstam, Daniel, Stein, Eric, 2007, P20

۳۰. چنین نظامی در میثاق حقوق مدنی سیاسی، عهدنامه محو هرگونه تبعیض علیه زنان و حقوق کودک وجود دارد. در مورد حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز یک پروتکل اختیاری در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۸ به تصویب مجمع عمومی رسید و از سال ۲۰۰۹، برای امضای کشورها باز است. این پروتکل به یک کمیته مخصوص اجازه دریافت شکایت از اشخاص خصوصی را می‌دهد. ببینید:

http://www2.ohchr.org/english/law/docs/a.RES.63.117_en.pdf (last access: 20 January 2013)

۳۱. برای مثال ببینید:

World Duty Free Ltd V. Kenya, ICSID Award, 4 October 2006; Saro- Wiwa V. Shell, June 3 2009, Seconde Circuit Court of Appeals New York; Talisman V. Prebyterain Church, 582 F. 3d 244 - Court Of Appeals, 2nd Circuit, 2009.

32. International Emergency Economic Powers Act, 28 October 1977, § 1702. Presidential Authorities.

منابع

الف - فارسی

- زهرانی، مصطفی. ۱۳۷۶. *نظریه‌های تحریم‌های اقتصادی*، مجموعه مقالات، ترجمه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- سادات اخوی، سیدعلی، حسینی اکبرنژاد، حوریه. *اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی یوان اروپایی حقوق بشر*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴.
- عسگری، آریا. ۱۳۸۷. *رعایت موازین حقوق بشر در عرصه تجارت جهانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بشر.

ب - انگلیسی

- Ariel Aarson, Susan, M. Zimmerman, Jamie. 2008. *Trade Imbalance: The Struggle to Weigh Human Rights Concerns in Trade Policy Making*, New York Cambridge University Press.
- Agim Behrami and Bekir Behrami. *Against France*, Application no. 71412/01, 45 Eur. Ct. H.R. Behrami, at 122.
- Alston, Philip. 1982. *International Trade as an Instrument of Positive Human Rights Policy*, 4 Human Rights Quarterly.
- Antoine, Jessica Crystal. 2009. *Recognizing a Sustainable Relationship Between International Human Rights and International Trade Law in a Pursuit to Have Human Rights Taken More Seriously: A Case Study of The People's Republic of China and the WTO*, A Thesis Submitted in Conformity With The Requirements for The Degree of Master of Laws (LL M), University of Toronto.
- Appellate Body Report Concerning United States. 1998. *Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*. WT/DS58/AB/R, 12 October.
- C-402/05 P, *Kadi v. Council (Grand Chamber)*, Judgment of 3 September 2008,

nyr

- Carneiro, Cristiane. 2009. Economic Sanction, Leadership, Survival and Human Rights, Pace University Journal of International Law.
- Claveland, Sarah. 2003. Human Rights Sanctions and International Trade: A Theory of Compatibility, Journal of International Economic Law.
- Copeland, Dale C. 1996. Economic Interdependence and War: A Theory of Trade Expectations, International Security, Vol 20 No 4 spring.
- Cottier, Thomas. 2002. Trade and Human Rights, a Relation to Discover, Journal of International Economic Law.
- Faraj Hassan v. council of the European union and European convention, T-49/04, Hassan v. Council,
- GATT Panel Report, United States – Restrictions on Imports of Tuna, DS29/R, 16 June 1994, unadopted.
- Goldston, P.R, Pax Mercatoria. 2007.: Does Economic Interdependence Bring Peace? MIT Securities Studies Programme, August.
- Gready, Paul. Reasons to Be Cautious about Evidence and Evaluation: Rights-based Approaches to Development and the Emerging Culture of Evaluation, Journal of Human Rights Practice, Vol 1, no3
- Halberstam, Daniel, Stein, Eric. 2008. The United Nations, The European Union, and The King of Sweden: Economic Sanctions and Individual Rights in A Plural World Order, Public Law and Legal Theory Working Paper Series, Working Paper, No. 134, December.
- Halliburton and U.S. Business Ties to Iran.2007. Hearing before the Subcommittee on Interstate, Trade and Tourism, 110 Congress, April 30.
- Harrison, James, Goller, Alessa. 2008. Trade and Human Rights: What Does Impact Assessment Have to Offer?, Human Rights Law Review 8:4, 2008.
- Hegre, Havard, Oneal, John R., Russett, Bruce. 2010. Trade Does promote Peace: New Simultaneous Estimates of Reciprocal Effects of Trade and Conflicts, Journal of Peace Research.
- Horny, Der-Chin. 2006. The Human Rights Clauses in the European Union's External Trade and Development Agreement European Law Journal, Vol9, No5, December 2003, P698.
- Howse, Robert. Montesquieu on Commerce, Conquest, War, and Peace, Brook Journal of International Law, Vol 31.3.
- ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work. 1998. 18 June.



- International Emergency Economic Powers Act, 28 October 1977, § 1702. Presidential Authorities.
- M. Stern, Robert, Terrell, Katherine Labor. Standards and the World Trade Organization.
- Manuel Vázquez, Carlos, Trade Sanctions and Human Rights: Past, Present and Future, *Journal of International Economic Law* 6(4).
- Malloy, Michael P. 1995. Economic Sanctions and Human Rights: A Delicate Balance, *Human Rights Brief*.
- Gudrun, Monika Zigel. 2005. WTO and Human Rights: Examining Linage and Suggesting Convergence, *International Development Law Organization*, vol2, no2.
- People's Mojahedin Org. of Iran v. U.S., Dept of State, 182 F.3d 17 (D.C. Cir. 1999), available at:
- Petersman, Ernst-Ulrich. 2008. Human Rights, International Economic Law and Constitutional Justice, *The European Journal of International Law*, Vol. 19, no. 4.
- Public Citizen's Global Trade Watch, States' Rights and International Trade. 2007. a Legislator's Guide to Reinvigorating Federalism in the Era of Globalization, February.
- Rosecrance, Richard. 1986. *The Rise of the Trading State: Commerce and Conquest in the Modern World* (New York: Basic Books).
- Saro- Wiwa V. Shell. 2009. *Seconde Circuit Court of Appeals New York*; June.
- Segall, Anna. 1999. Economic Sanctions: Legal and Policy Constraints, *International Review of Red Cross* No, 836.
- Sykes, Alan O. 2003. International Trade and Human Rights, An Economic Perspective, Chicago Working Paper, the Law School, the University of Chicago, May 2003 University of Michigan, Discussion Paper No. 499.
- T-256/07, People's Mojahedin Organization of Iran v. Council, Judgment of 23 October
- T-315/01, Kadi v. Council, [2005] ECR II-0364, Kadi (CFI), at 299, above note 207.
- Talisman V. Prebyterain Church, 582 F. 3d 244 - Court Of Appeals, 2nd Circuit, 2009
- Third Report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team. 2005. Annex II, U.N. Doc. S/2005/572 Sept. 9.
- United-States Standards for Reformulated and Conventional Gasoline Treatment

- of Imported Gasoline and Like Products of National Origin, WT/DS 2/9 1996.
- US — Tuna II (Mexico). 2012. request for consultation: 24 October 2008, panel report: 15 September 2011, appellate body report: 16 May .
- Van de Haar, Edwin. 2010. The Liberal Divide over Trade, Peace and War, International Relations 24:132.
- W.Polachek, Solomon, Seiglie, Carlos. 2006. Trade Peace and Democracy: An Analysis of Dyadic Dispute, IZA Dp No 2170, June.
- Wai, Robert. Countering, Branding, Dealing, Using Economic and Social Rights in and Around the International Trade Regime, European Journal of International Law, vol14, no 1, 2003,
- Wallenstein, Pete. 2000. A Century of Economic Sanction, Uppsala Peace Research Papers No.1 Department of Peace and Conflict Research, Uppsala University, Sweden.
- Watkins. 1942. Democracy and international organization: the experience of the League of Nations, American Political Science Review 36:1136-41.
- Wilson, John S. Mann, Catherine L., Otsuki, Tsunehiro. 2003. Trade Facilitation and Economic Development: a New Approach to Quantifying the Impact, The World Bank Economic Review, vol 17, no3.
- World Duty Free Ltd V. Kenya, ICSID Award, 4 October 2006;
- WT/DS/58/AB/R 12 October 1998, United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products.
- WT/DS135/AB/R 12 MARCH 2001, European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products.
- WT/DS135/AB/R 12 MARCH 2001, European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products, para170.
- WT/DS58/AB/RW 22 OCTOBER 2001, United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products Recourse to Article 21.5 of the DSU by Malaysia, Related to Paragraph (g) of article 20, Para129